

● یکشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۴ ● شماره ۴۹۱

# قطارهای پرسرعت، شریان تازه قاره سبز

اتحادیه اروپا با طرح توسعه ۴۹۴۰۰ کیلومتر راه‌آهن پرسرعت و سرمایه‌گذاری ۵۴۶میلیارد یورویی، به دنبال اتصال پایتخت‌ها، کاهش انتشار کربن، ارتقای رقابت اقتصادی و تقویت یکپارچگی سیاسی قاره است

کمیسیون اروپا در پاییز امسال طرحی بلندپروازانه برای بازطراحی نقشه حمل‌ونقل قاره‌ارائه خواهدداد: گسترشی عظیم در شبکه راه‌آهن پرسرعت با هدف پیوند پایتخت‌ها و شهرهای بزرگ اروپا در قالب یک شبکه بی‌وقفه و یکپارچه فولادی. این چشم‌انداز که توسط آپوستولوس تیزتیکوستاس، کمیسر حمل‌ونقل اتحادیه اروپا، تشریح شده، وعده «شبکه‌ای متصل‌تر، کارآمدتر و رقابتی‌تر» را می‌دهد؛ شبکه‌ای که نه‌تنها برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای طراحی شده، بلکه گزینهای سریع‌تر، راحت‌تر و مقرون‌به‌صرفه‌تر از سفر هوایی در اختیار مسافران قرار می‌دهد. ابعاد این طرح قابل توجه است: شبکه‌ای پیشنهادی به طول ۴۹،۴۰۰ کیلومتر، سرمایه‌گذاری ۵۲۶ میلیارد یورویی و هدف سه برابر شدن ترافیک قطارهای پرسرعت تا سال ۲۰۵۰. هرچند فناوری به کار رفته نوین و مقابله با تغییرات اقلیمی فوری است، اما ایده اصلی قدمتی به اندازه خود راه‌آهن دارد: اتصال، شکوفایی به همراه می‌آورد. تاریخ، نه‌فقط در اروپا بلکه در جهان، چنین داستانی را بارها تکرار کرده است. الگوی شکوفایی از طریق اتصال در هنگام افتتاح راه‌آهن لیورپول-منچستر بریتانیا در سال ۱۸۳۰، کوبیدن «میخ طلائی» راه‌آهن ایالات متحده در بیابان یوتا در سال ۱۸۶۹ و استقرار راه‌آهن سراسری سیبری روسیه تا سال ۱۹۱۶ دیده می‌شود. راه‌آهن‌ها فراتر از جابه‌جایی مردم و کالا بودند؛ آن‌ها جغرافیای اقتصادها را بازنویسی، توازن‌های سیاسی را تغییر و تعریف ملت‌ها از خود را دگرگون کرده‌اند.

#### ۳ تجربه تاریخی

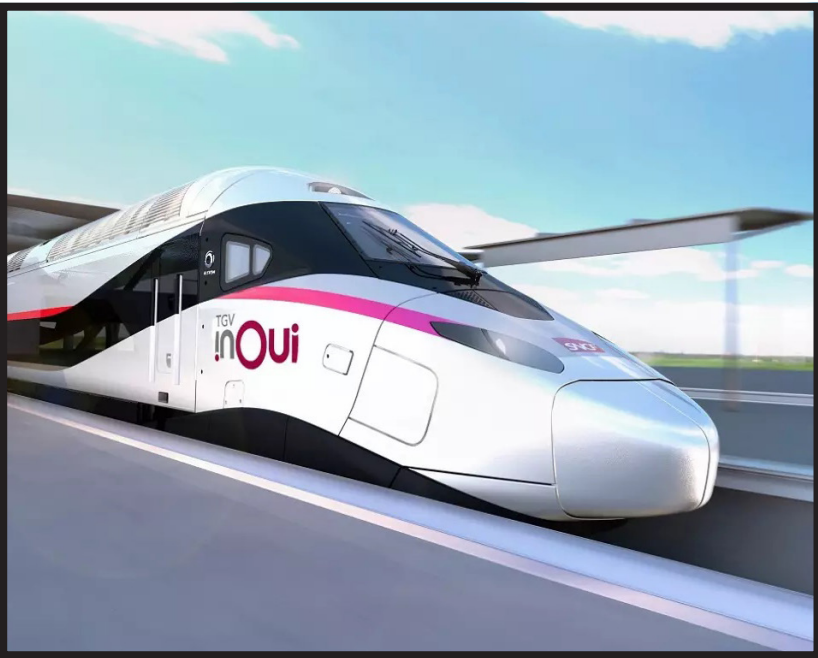
راه‌آهن‌های اولیه بریتانیا با ترکیب فناوری بخار پیشرفته و عملیات باری و مسافری در مقیاس بزرگ، الگویی تازه برای حمل‌ونقل مدرن ایجاد کردند. راه‌آهن لیورپول-منچستر نشان داد چگونه خطوط ریلی می‌توانند با کاهش هزینه‌ها و کوتاه کردن زمان جابه‌جایی، بازارها را گسترش دهند و تولید صنعتی را تقویت کنند. این تحول موجب رشد سریع شهرها و تبدیل شهرهای کوچک متصل به خطوط ریلی به مراکز صنعتی شد. در ایالات متحده، راه‌آهن نه‌تنها شتاب‌دهنده انقلاب صنعتی بود، بلکه بازار ملی منسجمی ایجاد کرد. تکمیل نخستین راه‌آهن سراسری در سال ۱۸۶۹، سواحل اقیانوس اطلس و آرام را به هم متصل کرد و زمان سفر نیویورک تا سانفرانسیسکو را از چند ماه به حدود یک هفته کاهش داد. این شبکه ریلی اقتصاد مناطق مختلف را پیوند زد، استانداردهای زمان را شکل داد و از نظر سیاسی قدرت

دولت‌فدرال را در مناطق مرزی تقویت کرد. در روسیه، راه‌آهن سراسری سیبری (۱۹۱۶-۱۸۹۱) هم ابزار اقتصادی و هم سیاسی بود. این خط ۹،۰۰۰ کیلومتری امکان دسترسی به مناطق دور دست امپراتوری، اسکان جمعیت، کشاورزی و بهره‌برداری از منابع سیبری را فراهم کرد و نفوذ دولت مرکزی را تثبیت نمود. این راه‌آهن تا امروز هم یک شریان حیاتی اقتصادی و نماد وحدت ملی باقی مانده است.

#### انقلاب اقتصادی راه‌آهن‌ها

تأثیر اقتصادی راه‌آهن‌ها را می‌توان در چهار سازوکار خلاصه کرد:

- یکپارچه‌سازی بازار:** کاهش زمان سفر و هزینه حمل‌ونقل، اتصال تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان دور.
- اقتصاد مقیاس:** ایجاد حمل‌ونقل قابل اعتماد، امکان تخصصی شدن صنایع، افزایش تولید و کاهش هزینه‌ها.
- ضرب سرمایه گذاری:** ساخت راه‌آهن تقاضا برای فولاد، انرژی، خدمات مهندسی و نیروی کار را افزایش و اثر موج را در اقتصاد ایجاد می‌کند.



۴. **رشد شهری:** شهرهای متصل سریع‌تر گسترش یافته و کسب‌وکار، نیروی کار و سرمایه را جذب می‌کنند. در طول تاریخ، این نیروها هم‌زمان عمل کرده‌اند؛ صنعت پنبه بریتانیا، تجارت غلات ایالات متحده و منابع روسیه همگی پس از بلوغ زیرساخت ریلی رشد انفجاری داشتند. راه‌آهن نه‌تنها به اقتصاد خدمت کرد، بلکه آن را بازآفرینی کرد.

#### یکپارچه‌ساز سیاسی و اقتصادی

راه‌آهن‌ها فراتر از زیرساخت تجاری هستند؛ آن‌ها ابزار یکپارچگی سیاسی نیز هستند. در ایالات متحده و روسیه، خطوط ریلی قلمروهای دور افتاده را به چارچوب سیاسی واحد متصل و انسجام ملی را تقویت کردند. همین اصل در چشم‌انداز کنونی اتحادیه اروپا نیز دیده می‌شود: جایگزینی شبکه‌های ملی پراکنده با سیستمی یکپارچه و سراسر اروپایی، برای ادغام قاره و ایجاد شبکه حمل‌ونقل گسترده. همچنین، راه‌آهن امکان جابه‌جایی سریع نیروها و خطوط تدارکاتی را فراهم می‌کند؛ این منطق نظامی قرن نوزدهم هنوز سیاست حمل‌ونقل در مناطق

حساس را هدایت می‌کند. از سوی دیگر، همگرایی اقتصادی نیز دستاوردی سیاسی است: شبکه ریلی یکپارچه تجارت فرامرزی را تشویق، هزینه ترانکش‌ها را کاهش و اقتصادهای منطقه‌ای را هماهنگ می‌کند. فراتر از مرزهای اروپا، چنین شبکه‌ای نفوذ ژئوپلیتیکی اتحادیه را گسترش داده و پیوندهای اقتصادی و سیاسی با بالکان غربی، شمال آفریقا و حتی آسیای مرکزی ایجاد می‌کند. یکپارچگی دیجیتال با لیت فروشی سراسری، برنامه‌ریزی لحظه‌ای سفر و مدیریت ظرفیت مبتنی بر هوش مصنوعی می‌تواند راه‌آهن اروپا را الگویی جهانی از کارایی سازد.

#### جاه‌طلبی پرسرعت اروپا

چالش کنونی اروپا مشابه چالش‌های قرن نوزدهم است: غلبه بر سیستم‌های پراکنده، اشتی دادن اولویت‌های ملی و تأمین مالی زیرساخت‌های بلندمدت. شبکه پیشنهادی بر قابلیت همکاری متقابل، علائم یکپارچه و دسترسی عادلانه برای اپراتورهای جدید تمرکز دارد تا نا کارآمدی شبکه‌های وصله‌پینه‌ای که سفرهای فر مرزی را سخت می‌کنند، برطرف شود. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد سه‌چهارم شهروندان اتحادیه اروپا در صورت اتصال سریع و قابل اعتماد، قطارهای پرسرعت را به هواپیما ترجیح می‌دهند. سفر با قطار تنها کسری از انتشار CO پروازهای کوتاه‌برد را دارد و انتقال مسافران از هوا به ریل برای دستیابی به اهداف کربن صفر ضروری است. با این حال، موانعی باقی است: اپراتورهای ملی به مسیرهای داخلی اولویت می‌دهند، سیستم‌های لیت فروشی پراکنده‌اند و سفر با قطار پرسرعت گاه گران‌تر از پرواز است. بدون سرمایه‌گذاری هماهنگ، اصلاحات سیاستی و ایجاد شرایط مالی برابر، راه‌آهن برای رقابت با راحتی و قیمت سفر هوایی به‌مشکل می‌خورد. از قلب صنعتی بریتانیا تا مرزهای سیبری، راه‌آهن‌ها همواره فراتر از وسیله‌ای برای جابه‌جایی بوده‌اند؛ آن‌ها ملت‌ساز، بازآفرین و ابزار سیاسی‌اند. پروژه راه‌آهن پرسرعت اتحادیه اروپا در همین سنت قرار دارد. اگر تاریخ درسی برای ما داشته باشد، این است که پروژه‌های ریلی تحول آفرین نیازمند چشم‌انداز، هماهنگی و تعهد بلندمدت‌اند. اروپا اکنون با انتخابی مشابه روبه‌رو است: شریان‌های فولادی که در دهه‌های آینده ساخته می‌شوند، نه‌تنها قطارها را جابه‌جا می‌کنند بلکه حامل آرمان‌های قاره برای یکپارچگی، پایداری و شکوفایی خواهند بود. ریل‌ها ممکن است نوباشند، اما این سفر پیش‌تر پیموده شده و همواره به تغییرات عمیق انجامیده است.

## جهان

## ۱۳

A T I Y E N O

خبرN E W S

### کاخ سفید از رشد اشتغال بومی می‌گوید

دولت ترامپ بارها علیه داده‌های دولتی انتقاد کرده و خواستار بازنگری در محاسبات تولید ناخالص داخلی و اشتغال شده است. با این حال، کاخ سفید با افتخار از یک آمار خاص سخن می‌گوید: ایجاد دومیلیون شغل جدید در سال جاری برای کارگران متولد آمریکا.

این ادعا در حالی مطرح می‌شود که گزارش‌های اخیر نشان‌دهنده کاهش حضور کارگران خارجی در بازار کار است. بر اساس گزارش وزارت کار ایالات متحده، تعداد کارگران خارجی در ژوئن نسبت به ماه مه ۲۴۸ هزار نفر کاهش یافته و از ژانویه تا کنون بیش از ۵۴۳ هزار شغل از دست رفته است.

در مقابل، تعداد کارگران بومی در همین بازه زمانی ۸۳۰ هزار نفر افزایش یافته و از ابتدای دولت دوم ترامپ، بیش از دو میلیون شغل جدید برای این گروه ایجاد شده است. کاخ سفید این آمار را نشانه موفقیت سیاست‌های خود، به‌ویژه سخت‌گیری در برابر مهاجرت غیرقانونی، می‌داند و سخنگوی مطبوعاتی، کارولین لیویت، اظهار داشته که «کارگران بومی تمام رشد شغلی را از زمان روی کار آمدن رئیس‌جمهور به خود اختصاص داده‌اند و دستمزدها همچنان در حال افزایش است.»

با این حال، اقتصاددانان دیدگاه متفاوتی دارند. آنها معتقدند که داده‌های بازار کار تحت تأثیر پیچیدگی‌های آماری و سیاست‌های مهاجرتی قرار گرفته و ممکن است تصویر ارائه‌شده توسط کاخ سفید کاملاً دقیق نباشد.

به گفته مارک رگتس، اقتصاددان کار، تغییرات ماهانه در داده‌های اشتغال می‌تواند به دلیل خطاهای آماری گمراه‌کننده باشد. او تأکید می‌کند که کاهش نیروی کار مهاجر لزماً به افزایش مشارکت کارگران بومی منجر نشده است.

داده‌ها نشان می‌دهد که نرخ مشارکت نیروی کار بومی از ژوئن ۲۰۲۴ تا ژوئن ۲۰۲۵ از ۶۲.۱ درصد به ۶۱.۸ درصد کاهش یافته و برای کارگران خارجی نیز از ۶۷ درصد به ۶۶.۳ درصد افت کرده است. این کاهش در مشارکت نیروی کار، چه بومی و چه خارجی، نشان‌دهنده آن است که خروج مهاجران از بازار کار به افزایش فرصت‌های شغلی برای بومی‌ها منجر نشده است.

سیاست‌های مهاجرتی سخت‌گیرانه دولت، از جمله لغو برنامه‌های بشردوستانه و توقف پذیرش پناهنجویان، تأثیر قابل توجهی بر کاهش نیروی کار خارجی داشته است. این سیاست‌ها، به همراه افزایش اخراج‌ها و ترس از بازرسی‌های محل کار، باعث کاهش حضور کارگران خارجی، به‌ویژه در صنایعی مانند ساخت‌وساز و فراوری مواد غذایی شده که به نیروی کار مهاجر وابسته‌اند.

اقتصاددانان هشدار می‌دهند که این کاهش می‌تواند به کمبود نیروی کار در بخش‌های کلیدی مانند بهداشت و درمان و کشاورزی منجر شود. برای مثال، بیمارستان‌ها در نیوجرسی و کارولینای شمالی گزارش داده‌اند که با کمبود پرستار و سایر کارکنان حیاتی مواجه شده‌اند. مشکلاتی که با لغو مجوزهای کاری برای مهاجران تشدید شده است، کاخ سفید این تغییرات را موفقیت کارگران بومی می‌داند، اما تحلیلگران هشدار می‌دهند کاهش نیروی کار مهاجر رشد اقتصادی را کند و تورم را بالا می‌برد. فدرال رزرو سیاست‌های تجاری و کمبود نیروی کار را عامل کندی رشد معرفی کرده و ابهامات آماری و سیاستی ادامه دارد.

منبع: نیویورک تایمز

#### طرح ریلی، تازه اروپا، تنها پروژه‌ای حمل‌ونقلی نیست؛ بلکه تلاشی استراتژیک برای بازنویسی نقشه اقتصادی و سیاسی قاره، کاهش وابستگی به هواپیما، ایجاد بازارهای گسترده‌تر و تقویت پیوندهای فرامرزی است

## مالیات بر ثروت اسپانیا در مسیر عدالت

تجربه اسپانیا نشان می‌دهد مالیات بر دارایی‌های خالص افراد ابزاری مؤثر برای کاهش تمرکز ثروت، تأمین مالی خدمات عمومی و تقویت اعتماد اجتماعی است

در طول چند دهه گذشته، اسپانیا بارها تلاش کرده تا تمرکز ثروت در دست عده‌ای معدود را کنترل کند و منابع مالی لازم برای خدمات عمومی را تأمین کند. مالیات بر ثروت، ابزاری که در این مسیر استفاده شده، نه‌تنها نشان‌دهنده تلاش دولت‌ها برای عدالت اجتماعی است، بلکه تصویری روشن از پیچیدگی‌های سیاست‌گذاری مالی و واکنش شهروندان ارائه می‌دهد.

#### پیدایش و تکامل مالیات

مالیات بر ثروت اسپانیا در سال ۱۹۷۸ و در سال‌های گذار از دیکتاتوری ژنرال فرانکو به دموکراسی نوین این کشور معرفی شد. برخلاف مالیات بر درآمد، این مالیات به دارایی‌های خالص افراد توجه دارد و با هدف کاهش تمرکز ثروت و تأمین مالی خدمات عمومی وضع شده است. نرخ مالیات به صورت تصاعدی است: از ۱.۷ درصد برای دارایی بالای ۳ میلیون یورو آغاز می‌شود و برای ثروت‌های بالای ۱۰ میلیون یورو به ۳.۵ درصد می‌رسد. معافیت‌ها شامل ۷۰۰ هزار یورو از ثروت و ۳۰۰ هزار یورو برای محل سکونت اصلی است، ضمن اینکه سقف تعیین شده مانع می‌شود مجموع مالیات‌های درآمد و ثروت از ۶۰ درصد درآمد فرد فراتر رود. در ابتدا، درآمد‌های حاصل از مالیات بر ثروت به دولت‌های منطقه‌ای اختصاص داشت و صرف خدمات محلی مانند بهداشت و آموزش می‌شد. اما این نظام با چالش‌هایی مواجه شد. در طول بحران مالی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱، مالیات موقتاً کنار گذاشته شد و با بازگشت آن در سال ۲۰۱۱، مناطقی مانند مادرید نرخ را به صفر رساندند. این تصمیم باعث جذب فوتبالیست‌های

پر درآمد، سرمایه‌گذاران خارجی و مهاجران از کشورهای آمریکای لاتین شد و بازار املاک را داغ‌تر کرد.

#### مالیات همبستگی

پدرو سانچز، نخست‌وزیر سوسیالیست اسپانیا، در پایان ۲۰۲۲ با معرفی «مالیات همبستگی بر ثروت‌های بزرگ» به کاهش درآمد‌های مناطق واکنش نشان داد. این مالیات ابتدا برای دو سال و به منظور تأمین مالی هزینه‌های عمومی پس از همه‌گیری طراحی شد، اما تمدید شده و همچنان اجرا می‌شود. نرخ‌ها مشابه مالیات منطقه‌ای است و از ۱.۷ تا ۳.۵ درصد متغیر است. آمار وزارت خزانه‌داری اسپانیا نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۳، مناطق ۱.۲۵ میلیارد یورو و دولت مرکزی ۶۳۰ میلیون یورو جمع‌آوری کردند که مجموعاً به ۱.۸۸ میلیارد یورو رسید. در سال ۲۰۲۴، مناطق درآمد‌ها را برای خود نگه داشتند و کل درآمد به ۲ میلیارد یورو رسید. به گفته درک فورمنی، دانشیار اقتصاد دانشگاه بارسلونا، «مالیات همبستگی ابزاری برای وادار کردن مناطق به جمع‌آوری بیشتر است و در این زمینه کاملاً موفق بوده.»

#### تأثیرات اجتماعی

درآمد‌های مالیات بر ثروت نسبت به سایر مالیات‌ها محدود است؛ برای مثال، مالیات بر ارث حدود ۳ میلیارد یورو و مالیات بر درآمد نزدیک به ۱۳۰ میلیارد یور در سال درآمد دارد. با این حال، ارزش اجتماعی مالیات بر ثروت قابل توجه است. این مالیات ابزاری برای توزیع عادلانه‌تر ثروت و کاهش نفوذ سیاسی تمرکز ثروت است..

بر خلاف پیش‌بینی‌های رسانه‌ای درباره مهاجرت گسترده ثروتمندان، واقعیت متفاوت است. شمار میلیارد‌های اسپانیا از ۲۶ نفر در سال ۲۰۲۱ به ۳۴ نفر در سال جاری افزایش یافته و مجموع ثروت آنها از ۲۰۰ میلیارد دلار فراتر رفته است.

#### استراتژی مدیریت دارایی‌ها

آماسیو اورتگا، بنیان‌گذار برند پینو الملی زارا، نمونه‌ای روشن از مدیریت ثروت در چارچوب مالیات اسپانیا است. دفتر خانوادگی او، پونته گادنا، مجموعه‌ای از املاک گران‌قیمت در بارسلونا، پاریس، فلوریدا و بریتانیا خریداری کرده است و امسال سود سهام ۳۰۱ میلیارد یورویی از ایندیتکس دریافت خواهد کرد. برخلاف برخی برداشت‌ها، این سرمایه‌گذاری‌ها با هدف اجتناب از مالیات نیست، بلکه برای حفظ و رشد ثروت در طول نسل‌ها انجام می‌شود. یکی از چنجالی‌ترین بخش‌های قانون، معافیت «شرکت‌های خانوادگی» است. این معافیت به ثروتمندان اجازه می‌دهد دارایی‌ها را از طریق ساختارهای تجاری مدیریت کنند و مشمول مالیات نشوند، به شرطی که دارایی‌ها برای فعالیت اقتصادی استفاده شوند. طبق تخمین‌ها، حدود ۸۰ درصد دارایی‌های یک درصد ثروتمندترین افراد از مالیات بر ثروت معاف هستند. جولیو لوپز لاپوردا، استاد اقتصاد عمومی دانشگاه ساراگوسا، می‌گوید که معافیت شرکت‌های خانوادگی و سقف مالیات نسبت به درآمد، میلیاردها یورو از درآمد بالقوه را از خزانه محروم می‌کند. سوزانا روییز از آکسفام تأکید می‌کند که این مالیات می‌تواند نقش مهمی در بازسازی اعتماد عمومی داشته باشد.